اسامی ۲۱ فیلم معرفی‌شده برای دریافت وام

اسامی ۲۱ فیلم متقاضی اکران نوروزی که به دلیل تعطیلی سینماها متضرر شده‌اند برای وام ۴ درصدی ۳۰۰ میلیون تومانی اعلام شد. این فیلم‌ها که توسط معاونت ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی برای حمایت به بنیاد سینمایی فارابی معرفی شده اند، عبارتند از خوب بد جلف۲، شنای پروانه، زن‌ها فرشته‌اند۲، پسرکشی، بازیوو، لامینور، خط استوا، درخت گردو، طلا، آنجا همان ساعت، زعفرانیه ۱۴ تیر، بنفشه آفریقایی، تومان، تعارض، دوزیست، عنکبوت، تبسم تلخ، بی‌صدا حلزون، پالتوشتری، سلفی با دموکراسی و مورچه خوار. هرکدام از این فیلم‌ها که از سایر حمایت‌ها مانند اخذ وام از صندوق کارآفرینی امید بابت ساخت همین فیلم یا حمایت بابت اکران آنلاین برخوردار شده باشند، مشمول این حمایت نمی شوند. همچنین فیلم‌های دولتی نیزمشمول دریافت این وام نیستند. بر اساس این خبر، تفاهم‌نامه تأمین اعتبار صدور این تسهیلات، بین بنیاد سینمایی فارابی و صندوق اعتباری هنر در قالب قرارداد متمم به امضا رسیده است./تسنیم

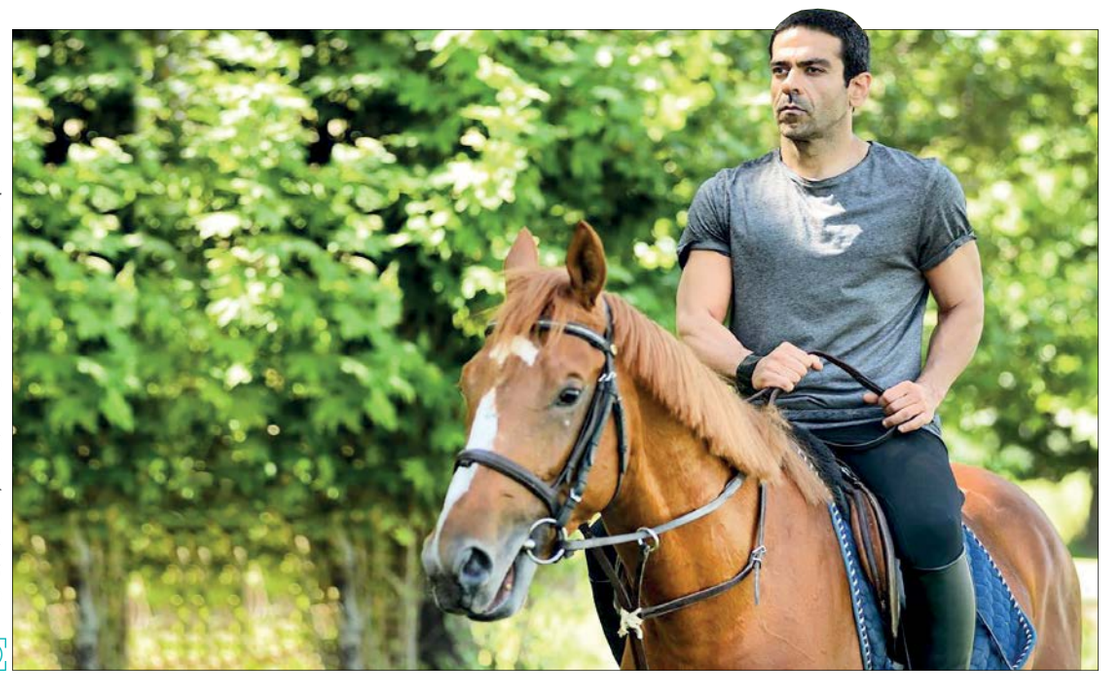
بانیپال شومون در «کرگدن» نقش مشتزنی به نام دانیال را بازی می‌کند

گفت‌وگو با بانیپال شومون، بازیگر «کرگدن» به بهانه پخش قسمت پایانی این سریال

با کتف و ترقوه شکسته بازی کردم

علی رستگار
سینما

اسم جذاب و سوال برانگیزی دارد و تقریبا هرکس که نامش را در تیتراژ فیلم و سریالی می بیند، دوست دارد درباره او، دست‌کم درباره اسمش بیشتر بداند. اما به جز جذابیت نامی، کاراکتر خود بانیپال شومون هم با آن چهره و تنومندی اندام و آن صدای بم و پرطنین، قابل چشم‌پوشی نیست. حضور او در چند سال اخیر در آثار نمایشی پررنگ شده و بازی‌های خوبش در نقش‌هایی مکمل در کارهایی چون تنگه ابوقریب، شبی که ماه کامل شد، شهرزاد و غلامرضا تختی را به خاطر سپردیم. تماشاگران سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر هم بازی خوبش در نقش یک مرد عشقِ نیچه را به یاد دارند؛ فیلمی که در نوبت اکران قرار دارد. بازی خوب شومون در سریال شبکه نمایش خانگی کرگدن، بهانه گفت‌وگوی ما با اوست. اگرچه کمی از پخش آخرین قسمت این سریال می‌گذرد، اما چون هنوز جزو آثار پرمخاطب در سامانه‌های اینترنتی نمایش فیلم و سریال است و هنوز برخی تماشاگران مشغول تماشای آن هستند، این بهانه موجه و پابرجاست. ضمن این‌که مصاحبه ما تنها درباره کرگدن نیست و احتمالا به برخی کنجکاوی‌های شما درباره این بازیگر، صداپیشه و عضو ارکستر کُر فیلارمونیک ایران پاسخ می‌دهد.

صدای محکم و پرطنین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شما در بازیگری است. چقدر از این صدا خدادادی و استعدادی است و چقدر ماحصل تمرین فن بیان؟

اصل قضیه که لطف خداست. البته لطف شما هم هست که تعریف می‌کنید. اما همیشه تمرین‌هایی هم برای صدا و بیان انجام می‌دهم.

شروع فعالیت‌های هنری شما با بازیگری بود یا با موسیقی؟

تقریبا موسیقی و بازیگری را با هم شروع کردم، البته از یک جایی به بعد موسیقی به اندازه بازیگری برایم جدی نبود.

اسم‌تان هم خاص است و سریع جلب توجه می‌کند. در این حد می‌دانم که بانیپال، اسم بزرگ‌ترین پادشاه آشور است.

شاید یک مقدار اسم متفاوت و فکربرانگیزی است و این سوال را مطرح می‌کند که این شخصیت کیست و این اسم از کجا می‌آید، اما خودم خیلی به آن فکر نمی‌کنم.

برای مردم جالب است و بلافاصله در مواجهه با اسم شما، سوالاتی برایشان پیش می‌آید. دیدم که یکی از سوالات همیشگی در بخش نظرات صفحه اینستاگرام‌تان هم همین است.

بله، همینطور است.

نام خانوادگی‌تان چطور؟ شومون، معنی خاصی دارد؟

شومون هم اسم پدر پدربزرگم بود و خیلی سال پیش وقتی می‌خواستند نام فامیلی را برای شناسنامه تعیین کنند، این اسم را انتخاب کردند.

این دو سه سال اخیر، حضور پررنگ‌تری در بازیگری دارید و مکمل‌های خوبی را بازی کرده‌اید، به عنوان مثال در شبی که ماه کامل شد و غلامرضا تختی و... با وجود این‌که این نقش‌ها به خاطر بازی درست و به‌اندازه، حتما ارتقایافته‌تر از متن شده‌اند، اما به نظر می‌رسد می‌توانستند پررنگ‌تر هم باشند و به لحاظ کمی، ظرفیت حضور بیشتر را داشتند.

ممنونم از شما، اما این نظر نویسنده‌ها و کارگردان‌های این آثار بود که این نقش‌ها و شخصیت‌ها به همین اندازه باشند.

به عنوان مثال نقش مامور امنیتی را که در شبی که ماه کامل شد، بازی کردید، جای کار بیشتری داشت و برخی معتقدند تقابل این مامور و همکارانش با تروریست‌ها باید بیش از این‌ها پرداخت می‌شد.

این نقش هم در فیلمنامه همین مقدار بود و خود خانم آبیار، نویسنده و کارگردان فیلم، چون نمی‌خواست فیلم خیلی به سمت مسائل امنیتی برود، تصمیم گرفت شخصیت را در همین اندازه نشان دهد. وگرنه حرف شما هم درست است و این شخصیت می‌توانست بیشتر بسط پیدا کند. البته بعدا آقای سعید ملکان، فیلمی به نام روز صفر ساخت که با محوریت مسائل امنیتی همین موضوع روایت می‌شود.

مصداقی‌تر بخواهم صحبت کنم، همین نقش شما در فیلم غلامرضا تختی انگار ما به‌ازای شخصیت پهلوان زندی است که از جایی رفاقتش با تختی جایش را به یک تقابل می‌دهد که ما یکی از جنبه‌های بارز آن را در آن سکانس درگیری در رختکن می‌بینیم. شاید اگر نقش شما کمی پررنگ‌تر می‌شد و ما شخصیتی این چنینی را رودرروی تختی می‌دیدیم، با درام پرچالشی روبه‌رو بودیم.

آن شخصیتی که من بازی کردم، ما به‌ازای کسی نیست و اگر قرار بود من شخص خاصی را بازی کنم، حتما نام او در فیلم برده می‌شد. نظر سازندگان این بود که در این زمینه اسمی از شخصی برده نشود. البته حتما تختی برخوردهایی در رفاقتش داشته و آدم‌هایی که دور و بر او بودند هم رقابت‌ها و حسادت‌هایی داشتند. درمجموع می‌توان گفت من برآیند چند شخصیت را در فیلم غلامرضا تختی بازی کردم؛ کلیتی از گروهی که مقابل تختی بودند.

اما برسیم به دانیال سریال «کرگدن»؛ آن‌طور که در این کار دیدیم، شما در مشتزنی، اسب‌سواری و بیلیارد تبحر دارید.

من برای این پروژه در همه این زمینه‌ها آموزش دیدم و زیر نظر مربیان مختلف کار کردم. برای فیلم غلامرضا تختی و بازی در نقش یک کشتی‌گیر هم، چند ماه با آقای منصور برزگر کشتی کار کردم. البته در این فیلم ما قرار بود صحنه‌های مسابقه کشتی هم داشته باشیم که به خاطر زمان فیلمبرداری و حجم زیادی که فیلم پیدا می‌کرد، انجام نشد.

به جز درگیری در ماجرای اصلی، شخصیت دانیال دو چالش و فراز احساسی سخت داشت؛ یکی در رابطه با اسبش تارا و یکی هم نازنین، خواهر نوید (ستاره پسیانی).

چالش زیادی برای بازی در این دو رابطه حسی داشتم. دانیال شخصیت کم‌حرف و درونگرایی است که چندان اهل بروزدادن احساسات نیست، اما اتفاقی که برای اسبش می‌افتد و ارتباط عاطفی با نازنین و ماجرای مچ دستش، چالش‌هایی بود که باعث شد جنبه‌های دیگری از دانیال را هم ببینیم. تمام تلاشم را کردم که این لحظات پیچیده را به‌خوبی ارائه کنم. نمی‌دانم تا چه اندازه موفق بوده‌ام.

چون ممکن است، برخی تماشاگران هنوز سریال کرگدن را به طور کامل ندیده باشند، نمی‌خواهم باعث اسپویل و لو رفتن قصه شوم، تنها به‌طور سربسته به آن ماجرای مچ دست دانیال در قسمت بیست و سوم اشاره می‌کنم که با توجه به استوری شما در صفحه شخصی‌تان در اینستاگرام، آدم به نوعی یاد نمایشنامه‌ای از مارتین مک دونا (مراسم قطع دست در اسپوکن) هم می‌افتد. هرکاری کردم طوری سؤالم را مطرح کنم، ماجرای شما لو نرود، نشد!

(می‌خندد) بله. این مربوط به اواخر سریال است و حتی صحبت سر این بود که اگر قرار به ادامه سریال باشد، من با همان دست، به مشتزنی ادامه دهم که البته نشد و سریال متوقف شده است.

یکی از مسائل مربوط به این سریال هم همین بود که کیارش اسدی‌زاده (کارگردان کرگدن) پیش از توزیع قسمت آخر، ویدئویی در فضای مجازی منتشر کرد که قسمت بیست و ششم، آخرین قسمت کرگدن است و این از نظر او به منزله پایان کار این سریال خواهد بود. اما ظاهرا تهیه‌کننده نظر دیگری دارد و می‌خواهد فصل بعدی آن را هم بسازد. سریال برای شما تمام شده است؟

برای کارگردان تمام شده است.

به نظر می‌رسد کرگدن قابلیت ادامه داشته باشد، چون تکلیف برخی شخصیت‌ها از جمله دانیال و نازنین، مشخص نشد.

سؤالاتی برای تماشاگران وجود دارد و از این نظر این سریال می‌تواند ادامه داشته باشد. اما ترجیح کارگردان این بود که ادامه نمی‌دهد و از طرف او، پروژه تمام شده است.

درباره شخصیت دانیال که اتفاق جالبی افتاد و کارش در کشتن افشین ناتمام ماند. علتش هم دخالت یکی از نویسنده‌های کار (علی اصغری) در نقش مامور بود که ناگهان سر می‌رسد و مانع انتقام شما می‌شود. به شوخی می‌توان این حرکت را به عنوان سوءاستفاده نویسنده از موقعیت خودش دانست. او مزاحم شخصیتی که نوشته، می‌شود و نمی‌گذارد کارش را انجام دهد.

(می‌خندد) بله دیگر.

علی اصغری، در همین سریال، نقش یکی از مربیان مشتزنی شما را هم بازی می‌کرد.

البته مربی بوکس من در قصه، مادرم بود، اما بله، علی هم نقش رفیق، همراه و یکی از مربیان را در مسابقات به‌عهده داشت.

یکی دیگر از نکته‌های بامزه سریال هم این بود که به‌تدریج تعداد آدم‌هایی که خودشان مامور بودند یا با نهادهای امنیتی اطلاعاتی همکاری می‌کردند، زیاد می‌شد. به‌طوری که کم‌کم فکر کردیم، نکند دانیال هم پلیس باشد.

نه، من پلیس نبودم، اما خیلی از این بازخوردها و نظرات را شنیدم.

ظاهرا در کرگدن، به دلیل ماهیت نقش و شخصیت مبارز و مشتزن، صحنه‌های دشوار و خطرناکی هم داشتید.

من به نوعی در کرگدن، بدلکار نداشتم و همه کارهایم را خودم انجام دادم. به همین دلیل اتفاقاتی هم برایم افتاد، از جمله این که از اسب افتادم و کتف و ترقوه‌ام شکست. یك جراحی سنگین کردم، اما ۹ روز بعد از جراحی جلوی دوربین رفتم. ضمن این‌که فردای همان روزی که کتف و ترقوه ام شکست هم برای فیلمبرداری یك سکانس جلوی دوربین رفتم، برای این که اگر بازی نمی‌کردم و منتظر بهبودم می‌ماندیم، آن فضای سکانس‌های اول که در دشت است و من سوارکاری می‌کردم، تغییر می‌کرد و مجبور بودیم همه سکانس‌های قبلی را از اول بگیریم. ۹ روز بعد از جراحی هم که به‌صورت پیوسته جلوی دوربین بودم و تنها وقتی می‌خواستم بازی کنم، دستم را از آتل در می‌آوردم.

حالا واقعا آن دیالوگ «دستت درد نکنه» نازنین خطاب به دانیال، برازنده شماست.

(می‌خندد) نه بابا! مخلصم. این فقط یکی از ماجراهای تلخ و سنگینی بود که برایم پیش آمد. مورد دیگر هم آسیب شدید مهره‌های چهارم و پنجم گردنم در یکی از صحنه‌های مشتزنی بود. الان که با شما صحبت می‌کنم، گردنی بسته‌ام.

در کدام صحنه آسیب دیدید؟

صحنه‌ای در رینگ بوکس بود که من در مسابقه مشت می‌خورم و خون از دهانم می‌پاشد. این صحنه که در تیتراژ هم وجود دارد، بصورت تدوین موازی همراه با لحظه به زمین خوردن تارا به نمایش درآمد. آن ضربه، دقیقا به گردنم می‌خورد که بعد از آن چند ثانیه بیهوش شدم. با این‌که بازیگر مقابلم در آن صحنه جزو قهرمان‌های مشتزنی کشور است و خیلی هم رعایت کرد و تقصیری هم در این حادثه نداشت، اما متاسفانه این اتفاق افتاد. من نقش دانیال را مثل همه نقش‌هایم با تمام جان و دلم بازی کردم.

یك نقش شبه نیچه‌ای هم در فیلم پالتوشتری به کارگردانی مهدی علی‌میرزایی بازی کردید که در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. خبری از سرنوشت فیلم دارید؟

قبل از کرونا، تلاش‌هایی برای اکران فیلم در عید نوروز شده بود. اما بعد داستان کرونا پیش آمد و اکران سینما متوقف شد.

ممکن است با این وضع کرونایی، فیلم به‌صورت آنلاین اکران شود؟

آن‌طور که شنیدم، کارگردان قرار نیست فیلم را آنلاین اکران کند و منتظر اکران فیلم در سالن‌های سینما خواهد ماند.

به نظر می‌رسد این کمدی، قابلیت‌هایی برای فروش خوب در سالن‌های سینما را دارد.

نمی‌دانم، امیدوارم داشته باشد. پالتوشتری فیلم شریف و متفاوتی است و امیدوارم که مردم با آن ارتباط برقرار کنند و این فیلم را دوست داشته باشند.

برخلاف عادت همیشگی

کرگدن، با وجود برخی ضعف‌ها و ایرادات، فضای جدید و ماجراجویانه‌ای را در فیلم و سریال‌های ایرانی به وجود آورد و بحث قاچاق و مافیای دارو را در قالب قصه‌های جذابی به مخاطب ارائه داد. اما به نظر می‌رسد نقدهای منفی که در مدت‌زمان نمایش سریال به‌ویژه در این اواخر مطرح شد، نه‌تنها چندان منصفانه نبود بلکه حتی مغرضانه به نظر آمد. نکته دیگر این که شاید کرگدن در مقایسه با سریال های پرهیاهوتر شبکه نمایش‌خانگی نادیده گرفته‌شد. وقتی از بانیپال شومون در این باره پرسیدیم، پاسخ داد:

کرگدن، از نظر قصه، فضا و فیلمبرداری و... ژانر و شیوه جدیدی از کار فیلم و سریال در ایران است. ما عادت کرده‌ایم به یک‌سری قصه‌ها که همیشه بوده‌است. همین‌طور به یک‌سری روابط عادت کرده‌ایم که تبدیل به سلیقه‌ای برای مخاطب شده‌است. کرگدن پیچیدگی دارد و مسیر همیشگی را دنبال نمی‌کند.

شاید یکی از دلایل اقبال کمتر یا نقدها همین‌ها باشد. یکی از دلایل دیگر این بود که تبلیغات خیلی خوبی برای کرگدن نشد و می‌توانست بهتر از این‌ها معرفی و تبلیغ شود. شاید هم چون این سریال از چهره‌های آنچنانی استفاده نمی‌کرد، آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفت. با وجود این‌که برخی چهره‌های درجه‌یک سینما و تئاتر در این کار حضور داشتند، اما هیچ‌کدام چهره‌های گیشه‌پسند سینمایی نبودند. اما خودم به عنوان بازیگر به‌شدت فضای کرگدن را می‌پسندم و خیلی هم خوشحال و راضی هستم که در این سریال بازی کردم.

پخش «کرگدن» در شبکه نمایش خانگی تمام شد

۵ ماجراجو

سریال کرگدن به‌تازگی پس از ۲۶قسمت به پایان رسید و تکلیف پنج شخصیتی که حروف اول اسم‌هایشان، نام مجموعه را شکل داده بود یعنی کاظم، رها، گیسو، دانیال و نوید کمی تا قسمتی مشخص شد. با وجود این‌که روی جلد و در شناسنامه قسمت پایانی که تصویری از پانته‌آ پناهی‌ها نقش بسته، عنوان‌شده «پایان فصل اول»، اما کیارش اسدی‌زاده، کارگردان سریال با انتشار ویدئویی اعلام کرد که کرگدن، دست‌کم از طرف او دنباله و ادامه‌ای نخواهد داشت و سریال در قسمت بیست‌وششم به پایان می‌رسد، اما وقتی با قسمت آخر سریال مواجه می‌شویم، خبری از تعیین تکلیف صددرصدی برخی شخصیت‌ها نیست و می‌توان ادامه‌ای را هم برای قصه متصور شد. به بهانه پایان کرگدن، نگاهی داریم به نکات مثبت و منفی این سریال.

چالش آدرنالین

پنج جوان به خاطر مهارت‌های جداگانه‌ای که در موتورسواری، پارکور، آفرود، نفس‌گیری در آب و مشتزنی دارند، در چالش آدرنالین شرکت می‌کنند. اما به مرور درمی‌یابیم که ونوشه عظیمی (پانته‌آ پناهی‌ها) که رئیس شرکت دهکده (برگزارکننده این چالش) است، به‌عنوان مافیای دارو فعالیت می‌کند و برای رسیدن به هدفش از هیچ چیزی حتی به‌بازی‌گرفتن جان شرکت‌کنندگان چالش ابایی ندارد. شاید جذابیت اولیه کرگدن در پرداخت و شکل نسبتا تازه آن باشد، یعنی علی اصغری و مهرداد کوروش‌نیا به عنوان نویسندگان فیلمنامه، برای روایت موضوع قاچاق دارو که می‌توانست ساده و بدون پیچیدگی یا عصاقورت‌داده باشد، شیوه جذاب، ماجراجویانه، هیجان‌انگیز و جوان‌پسند را انتخاب کردند و به قصه‌گویی متنوع و پرجزئیاتی رسیدند. سازندگان مجموعه با توجه به ذائقه ارتقایافته مخاطبان جوان علاقه‌مند به فیلم و سریال در پی تماشای نمونه‌های خوب و موفق جهانی، رنگ و لعاب خوبی به روایت‌شان بخشیدند. انتخاب یک چالش ورزشی و رقابتی مهیج، فارغ از جذابیت‌های ظاهری و کمک به فرم و ضرباهنگ مناسب، واجد پیچیدگی‌هایی برای روایت تودرتو هم هست.

روند نزولی

سریال کرگدن شروع خوب و نفسگیری داشت و برعکس غالب سریال‌های شبکه نمایش خانگی که قصه لاغر و ضعیفی دارند، اتفاقا پر از ایده و قصه و ماجراهای مختلف بود، اما هرچقدر از مجموعه گذشت، کیفیت داستان افت کرد و با ضعف‌های بیشتری روبه‌رو شدیم. روند سریال در ادامه به‌قدری تنزل پیدا کرد که حتی برخی ویژگی‌های مثبت قسمت‌های اولیه نیز لوث شد و می‌شد به چشم ضعف به آنها نگاه کرد. مراسم عروسی در قسمت آخر کرگدن با وجود این‌که می‌توانست محملی برای ماجراهای جذاب باشد، به پاشنه‌آشیل سریال تبدیل شد. در ناکامی شخصیت‌هایی چون نازنین و دانیال برای انتقام تا خطابه نچسب ونوشه و آن برف بیهوده و تصنعی که نه بر سر حاضران می‌نشیند و نه سردشان می‌کند. همچنین با مامور زبده و کارکشته‌ای طرفیم (مهران ارک یا مارک با بازی کاظم سیاحی) که مدت‌ها یک جفت کفش را به‌پاکرده و نمی‌دانسته که یک چیپ در کفیِ آن جاساز شده است و تازه با پیامک دقیقه نودی نوید (مصطفی زمانی) شستش یا به عبارت بهتر کف پایش خبردار می‌شود!

روایت قصه در فضای عموما شیک و لاکچری به سیاق اغلب سریال‌های شبکه نمایش خانگی، روابط آزاد و «رها»، بی‌احترامی به پدر و مادر و روابط سرد و عموما بی‌عاطفه جاری میان آنها و فرزندان، انتخاب نامناسب برخی بازیگران حتی در میان نقش‌های تقریبا اصلی و بازی بد آنها و... برخی دیگر از نقدهای وارده به سریال کرگدن است. ضمن این‌که از حاشیه پایانی سریال هم نباید گذشت که نشان از اختلاف کارگردان و تهیه‌کننده دارد و ظاهرا نظر این دو برای ادامه سریال با یکدیگر همسو نیست. از این دست حاشیه‌ها و اختلافات هم کم‌وبیش در سریال‌های شبکه نمایش خانگی شایع است.